احمدرضا سازگارنژاد*

در ضرورت مخالفت اصحاب دانشگاه در برابر اینترنت طبقاتی

هفته‌هاست که بحث اینترنت طبقاتی از سوی مسئولان ارشد دولتی و اجرائی در وزارت علوم، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری و قرارگرفتن آن در اختیار استادان دانشگاه و دانشجویان مطرح شده است و هنوز شاهد هیچ مخالفت جدی به این موضوع از سوی دانشگاهیان نبوده‌ایم. در این یادداشت کوتاه تلاش خواهد شد تا به دو مورد از خطرات مهم پیش‌روی نهاد دانشگاه در صورت استفاده از این اینترنت پرداخته شود. پیش از آغاز، لازم است تا توضیحی مختصر درباره عبارت «اینترنت طبقاتی» داده شود. از اینترنت طبقاتی در گفتمان رسمی دولتمردان، تحت نام‌هایی مانند اینترنت ویژه استادان یا اینترنت حرفه‌ای یاد می‌شود. منظور آن است که به دلیل نیازهای تحقیقاتی علمی یا حرفه‌ای گروه‌های خاص، برای پیشبرد بهتر و تسهیل کار آنان، امکان ویژه‌ای به ایشان داده شود تا به سایت‌هایی که در داخل کشور فیلتر هستند، دسترسی داشته باشند. در ادامه با در نظر داشتن این معنی از اینترنت طبقاتی، به دو مورد از اساسی‌ترین مخاطراتی که استفاده از آن برای دانشگاهیان در پی دارد، اشاره خواهد شد.

اول: پیوندخوردن منافع دانشگاه با سیستم فیلترینگ

اعطای امتیاز ویژه و رانت‌مانند اینترنت طبقاتی به اهالی دانشگاه به این معناست که دانشگاهیان این امکان را دارند تا بر اساس نیازشان به سایت‌هایی که در داخل به دلایلی فیلتر هستند، بدون محدودیت دسترسی داشته باشند. این اتفاق زمینه‌ساز پیوندخوردن منافع دانشگاهیان با سیستم فیلترینگ، دریافت یک رانت اجتماعی مهم و تبدیل‌شدن به ذی‌نفعی است که نقشی جدی در مطالبه‌های اجتماعی داشته است. دانشگاه همواره و همیشه یکی از کانون‌های اصلی تحول‌خواهی در جامعه ایرانی در ۸۰ سال اخیر بوده است. از پیش از کودتای ۲۸ مرداد تاکنون، دانشگاه همواره تلاش کرده است تا زبان مطالبات و خواست‌های عمومی مردم باشد و از موقعیت اجتماعی خود برای بازتاب‌دادن صدای ایشان استفاده کند. با بهره‌گرفتن از اینترنت طبقاتی این امکان به‌طور جدی از دانشگاه ستانده خواهد شد. دقیقا در نقطه‌ای که نهاد دانشگاه باید پیوند خود با عموم جامعه را حفظ و تقویت کرده و صدای انتقاد خود علیه فیلترینگ گسترده اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را بلند کند (که البته کرده است)، در صورت حرکت‌کردن در مسیر خلاف و استفاده از این امتیاز ویژه، نشان می‌دهد که دیگر در ادامه مسیر همراه مردم نخواهد بود و بیشتر تمرکز خود را بر خواسته‌های صنفی قرار داده و به دنبال آن است تا نیازهای درونی دانشگاه را که امروزه گرفتاری‌های فراوان دارد، برطرف کند. این اتفاق سبب می‌شود که دانشگاه عملا امکان نقد خود به بسیاری از مسائل و مشکلات اجتماعی را از دست بدهد. احساس خطر آنجا جدی می‌شود که در شرایط کنونی نه‌تنها استادان دانشگاه، بلکه دانشجویان نیز درباره این موضوع احساس خطر نکرده و از تبعات پردامنه و خطرناک آن ظاهرا بی‌اطلاع به نظر می‌رسند! دانشجویان به‌عنوان نزدیک‌ترین قشر به خواسته‌های اجتماعی در نهاد دانشگاه باید نسبت به این موضوع به‌شدت حساس بوده و با این موقعیت خاص برخوردی مطالبه‌گرانه و انتقادی داشته باشند.

دوم: انتظارات اجتماعی از نقش دانشگاه و زیر سؤال رفتن منزلت دانشگاه

همان‌طور که در بخش قبلی نیز به آن اشاره شد، دانشگاه به‌عنوان یک گروه مرجع اجتماعی همواره محل توجه آحاد جامعه بوده است. پذیرش استفاده از اینترنت طبقاتی و بی‌تفاوت‌بودن درباره استفاده و پذیرش آن، سبب بی‌اعتمادی شدید جامعه نسبت به نهاد دانشگاه خواهد شد و وجهه و شخصیت اجتماعی دانشگاه به‌شدت تخریب خواهد شد. از ابتدای طرح اینترنت طبقاتی تاکنون گروه‌های نبستا کوچکی از استادان دانشگاه یا دانشجویان به اینترنت طبقاتی اعتراض کرده و اعلام کرده‌اند که از آن استفاده نخواهند کرد که در صورت خاموش‌ماندن صدای نقد در دانشگاه، فرایند استحاله و از بین رفتن هویت دانشگاه تشدید شده، جامعه از دانشگاه بیشتر فاصله گرفته و در دغدغه‌های صرفا علمی-پژوهشی خود سرگردان خواهد شد که این روند از دست رفتن مرجعیت یکی از گروه‌های مهم اجتماعی را باعث خواهد شد و به ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی بیش‌ازپیش آسیب خواهد زد. به نظر می‌رسد در چنین شرایطی، نیاز به یک تلاش گسترده مدنی دانشگاهی از سوی استادان دانشگاه در کنار دانشجویان به‌عنوان صاحبان واقعی محیط دانشگاه احساس می‌شود. این مخالفت در برابر پذیرفتن استفاده از اینترنت طبقاتی و درخواست همگانی برای استفاده‌نکردن از آن، ضمن آنکه کم‌هزینه‌ترین روش مخالفت با اینترنت طبقاتی است، این پیام مهم را به جامعه نیز مخابره می‌کند که با وجود همه فشارهایی که این روزها بر دانشگاه وارد می‌شود، دانشگاه هنوز روح و هویت خود را زنده نگه داشته و برای حل مسائل و مشکلات کشور و صدای مردم بودن، آماده هرگونه همکاری است.

* پژوهشگر سیاست‌گذاری عمومی و فعال سابق دانشجویی

«شبهای بخارا» با پاسداشت مهری باقری و استقبال بی‌نظیر از استاد شفیعی کدکنی در تبریز برگزار شد

...اشتیاق مردمی عاشق

نیما عظیمی: ششصدوهفتادونهمین شب از «شب‌های بخارا» به بزرگداشت دکتر «مهری باقری» اختصاص داشت. این نشست در ساعت ۱۷ روز شنبه سوم تیرماه ۱۴۰۲ به میزبانی تالار «بنیاد پژوهشی شهریار» تبریز برگزار شد و استادان صاحب‌نامی همچون محمدرضا شفیعی‌کدکنی، رحیم رئیس‌نیا، باقر صدری‌نیا، علیرضا مظفری، ناصر علی‌زاده، سجاد آیدنلو، حسین مهرنگ و علی دهباشی در آن حضور یافته و سخنرانی کردند. همچنین پیام تصویری دکتر محمدعلی موحد پخش و رونمایی از جشن‌نامه استاد مهری باقری در مجله بخارا انجام شد.

این‌جانب برای تهیه گزارشی مکتوب و جامع، قلم و کاغذ را آماده کردم و بنابراین زودتر و پیش‌تر از آغاز رسمی برنامه، وارد بنیاد شدم. از نیک‌بختی من بود که به خاطر زودرسیدنم، جناب «علی دهباشی» را ملاقات کردم. دقایقی نگذشته بود که استاد دکتر «سجاد آیدنلو» شاهنامه‌شناس برجسته ارومیه‌ای را -که به گواهی استادان و متخصصان فن، جوان‌ترین شاهنامه‌شناس توانا و شناخته‌شده زمان در دنیاست- به همراه چند نفر از دیگر فرهیختگان ارومیه‌ای، مشاهده کردم. ساعت نزدیک به ۱۶:۳۰ بود که استاد «محمدرضا شفیعی‌کدکنی» به سالن محل گردهمایی آمدند و من در آن لحظه، معنای حقیقی «شکوه» را به چشم دیدم. آری! «من خود به چشم خویشتن دیدم» شکوه در استقبال را. دیدم شکوه و فَرهمندی در پیشواز را! دیدم ابهت و بزرگی را؛ و دیدم هرآنچه را که در این قاموس نمی‌گنجید! چه اینکه سرچشمه این شکوه، «اشتیاق» مردمی عاشق بود؛ مردمی از دیار آذربایجان که عاشق فرهنگ ایران و ستون ستبر آن، زبان و ادب پارسی و هر آن کس که خادم آن است، هستند. باری این شیفتگی و شور تبریزیان از برای ورود «ستاره تابناک زبان و ادب پارسی در روزگار ما» یعنی حضرت استاد شفیعی‌کدکنی به سالن بود که نقشی ماندگار را رقم زد.

استاد دانشمند محمدرضا شفیعی‌کدکنی، این نگاهبان و دانشمند فرهنگ و زبان ملی ایران نیز با فروتنی تمام هر دستی را که از میان انبوه دلدادگان و شور حاضران به سویش می‌آمد، به مهر می‌فشرد و هر زبانی که او را می‌ستود، با مهری دوچندان و لبخندی گرم، پاسخی زیبا می‌گفت. چنان‌که این لبخندهای فروتنانه، از ابتدا تا انتهای حضور پرمهر ایشان، لحظه‌ای و ذره‌ای از روی گشاده‌شان کم نشد. هرآنچه واژه از برای شرح عاشقی‌ها و پرباری و زیبایی‌های این روز بزرگ بنویسم، رساندن حق مطلب را آن‌گونه که باید نخواهم توانست که این از کم‌توان‌بودن قدرت قلم و ضعف نگارنده این سطور است ولاغیر. اما خود را نخواهم بخشید اگر کوتاهی کنم از نگارش گزارش بخشی دیگر از زیباترین جلوه‌های این «همبستگی ملی» در تبریز.

برای تکمیل گزارشم، قصد کردم تا تمام محوطه را رصد کنم که این بار «شکوه در شکوه» را دیدم! چه اینکه پیش از آغاز رسمی این نشست، نه‌تنها تالار اصلی بنیاد شهریار، بلکه راهرو، راه‌پله‌ها، طبقه پایین و حیاط و حتی بخشی از محوطه بیرون از حیاط این مجتمع، سرشار بود از استقبال مردم ایران‌دوست تبریز. ازاین‌رو، به‌راستی این گردهمایی شیفتگان فرهنگ و ادب پارسی در تبریز را عنوانی جز «غرور ملی» نباید داد. چه اینکه بی‌گمان تک‌تک شهروندانی که خود را با اشتیاق به پیشواز استادان بزرگ این مرکز رسانیده بودند، نگهبانان بلندمرتبه و نجیب هویت تمام ایرانیِ آذربایجان هستند؛ که دیگر بار با صدایی رسا و با لهجه عزیز و گرامی آذری، پیامی ماندگار را در برگی از برگ‌های تاریخ ایران‌زمین ثبت کردند و نگاشتند: «آذربایجان، خود ایران است».

علی دهباشی برنامه را با جملاتی زیبا آغاز کرد و گفت: «نمایندگان دو خطه حافظِ زبان و فرهنگ ایران و زبان فارسی، امشب در شهر تبریز گرد آمده‌اند. استاد کدکنی علی‌رغم کسالتی که داشتند، با شوق به تبریز و مجلس خانم دکتر مهری باقری آمدند». سپس از دکتر شفیعی‌کدکنی برای سخنرانی دعوت کرد. دکتر شفیعی با وجود کسالت بسیار این دعوت را پذیرفت و سخنان کوتاه خود را این‌گونه آغاز کرد: «دو مطلب مرا با علاقه و شوق به اینجا کشانید؛ یکی احترام به دانش و تحقیقات خانم دکتر مهری باقری است که همه ما ایرانی‌ها در حوزه این شاخه از مطالعات، رهین زحمات ایشان بوده‌ایم و هستیم و خواهیم بود. نکته دیگر -که به یک معنا به خانم دکتر باقری متصل است- یاد و خاطره دوست و برادر عزیزم بهمن سرکاراتی است. بهمن سرکاراتی نمونه یک ایرانی کامل‌عیار، خوش‌ذوق، باشعور و صریح و فصیح و بی‌پروا بود؛ یعنی تمام فضایل یک انسان کامل را در بهمن دیدم. با یاد نیک بهمن و ستایش از کارهای ارجمند خانم دکتر مهری باقری همسر ایشان، بنده عرایضم را تمام می‌کنم».

در ادامه، پیام تصویری استادی پخش شد که یک قرن با لهجه آذری، از ایران و زبان فارسی دفاع کرده است؛ و امید که عمرشان دراز باد. «دکتر محمدعلی موحد» در بخشی از این پیام اظهار کرد: «تا آنجا که دریافته‌ام و می‌توانم شهادت دهم، خانم دکتر باقری در اداره بنیاد به دو اصل مهم ملتزم بوده و دو نتیجه مطلوب از آن حاصل شده است؛ یکی نظم و انضباط است و دیگری ادب و مهربانی. آن دو نتیجه مطلوب هم که از رعایت آن دو اصل حاصل گشته، یکی دوام و بقای بنیاد است و دیگری آبرو و اعتبار آن. راستی باید گفت که امکان دوام فعالیت بنیاد در ابتدای تأسیس آن با توجه به حساسیت‌هایی که از جانب گرایش‌های گوناگون انتظار می‌رفت، سخت در معرض تردید بود. خدا را سپاس که امروز اعتبار و آبروی بنیاد به درجه بالایی رسیده است».

سخنرانی دکتر سجاد آیدنلو یکی از سخنرانی‌های شنیدنی این نشست بود که استقبال حاضران در سالن، گواهی بر ادعای نگارنده است. وی پس از خوانش شعری از استاد کدکنی (بیا ای دوست اینجا در وطن باش/ شریک رنج و شادی‌های من باش/ زنان اینجا چو شیر شرزه باشند/ اگر مردی در اینجا باش و زن باش)، سخنرانی کوتاه و ارزشمند خود را آغاز کرد: «موضوع عرایض بسیار بسیار کوتاه بنده به مناسبت حوزه مطالعات و گزارشی کوتاه از کارنامه شاهنامه‌پژوهی خانم دکتر مهری باقری است. کارنامه شاهنامه‌شناختی خانم باقری را در دو بخش مقالات و کتاب‌ها می‌توان تقسیم کرد». دکتر آیدنلو در سخنان خود به مقالات دکتر باقری و به‌ویژه مقاله «گرز، گرد، بیر» ایشان پرداخته و افزودند: «توجه به این مقاله، غیر از حل بسیاری از ابیات شاهنامه، مشکلات برخی از متون ادب فارسی را نیز حل می‌کند». دکتر آیدنلو در انتها، ضمن تجلیل از جایگاه شادروان «سرکاراتی» و استاد «مهری باقری»، با خوانش دو بیت به افتخار دکتر شفیعی‌کدکنی، سخنان خود را این‌گونه به پایان رساندند: «تنها نه آفتابِ نِشابور و کدکنی/ در این شبان تیره، چراغان میهنی/ ده قرن شوق و ذوق و هنر در تو خفته است/ تو سومین هزاره این باغ و گلشنی». برسیم به دیگر سخنران ارجمند این نشست، استاد «حسین مهرنگ» که گفت: «یک نفر دیشب توییت زده بود که عده‌ای فردا جمع خواهند شد که نمی‌شناسند دهباشی کدام است و نمی‌شناسند مهری باقری کیست! و من در جوابش نوشتم که ممکن است من آقای دهباشی را زیاد از نزدیک نشناسم، ولی شاید در این جمع تنها کسی هستم که مهری باقری را خوب می‌شناسم. ایشان دانشجودوست هستند و عصاره ایشان در یک کلمه، «مهربان» است. از نظر معنوی همه ما را دخترم و پسرم صدا می‌زدند. من بهمن سرکاراتی را نیز خوب می‌شناسم؛ بهمن سرکاراتی کسی بود که برای سرپرستی‌اش فقط مهری باقری نیاز بود. در مورد استاد شفیعی‌کدکنی نیز به خاطر دارم که بیش از ۱۵ سال پیش، آن بزرگواری‌هایی که از ایشان در دانشکده ادبیات تهران دیدم، تکرارناپذیر است».

با نگارش بخشی از سخنان خانم دکتر مهری باقری که این گردهمایی برای ارج‌نهادن به مقام شایان تقدیر ایشان بر پا شد، این گزارش اجمالی را به اتمام می‌رسانم: «در درازای زندگی‌ام هدایای بسیاری دریافت کرده‌ام؛ اما هدیه‌ای که امروز در زندگی می‌توانم دریافت کنم، دارایی بزرگی بود که بر گنجینه دارایی من افزوده شد. اگر کسانی که اینجا هستند را به دَه حَصّه (بخش) تقسیم کنیم، پنج حصه به استاد شفیعی‌کدکنی می‌رسد. دوونیم حصه به این مرد (اشاره به علی دهباشی) تعلق دارد که تنها و یک‌تنه و بی‌وقفه و دائما در تلاشند. من نمی‌دانم چه زمانی استراحت می‌کنند! من وقتی یادی از ایشان می‌کنم، واقعا به روح بزرگ حکیم توس می‌اندیشم که گفته است: یکی مرد جنگی بِه از صدهزار. یک‌ونیم حصه دیگرش به خاطر دوستان، استادان و بزرگانی است که نام‌شان اینجا هست. یک حصه دیگر باقی می‌ماند که آن متعلق است به دکتر بهمن سرکاراتی. اگر عنایتی در حق من می‌شود، به‌خاطر ایشان است و خوشحالم». این اوج فروتنی یک بانوی فرهیخته بود که در این استقبال تاریخی هیچ سهمی برای خود قائل نشد. همین نشان می‌دهد که این برنامه، بحق، به نام ستاره درخشانی با نام خانم مهری باقری در تاریخ «بخارا»ی ایران‌زمین ثبت شد؛ اگرچه به نام خورشیدی با نام حضرت استاد شفیعی‌کدکنی پرآوازه گشت. و البته که تمامی این خورشید و ستاره‌ها، در آسمان زبان و ادب فارسی درخشیدند و از تبریز شور گرفتند و به آن نور بخشیدند. بیش باد این نور جاودان بیش باد... .

جدول ۴۵۳۱ • طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- لوازم منزل- محل فرود هواپیما- زمین پر از سنگ ۲- جانوری آبزی با پنج بازوی متحدالشکل- اشتباه ۳- ستاره- ابزار اضافه قابل تعویض- نشت‌کردن ۴- مخفی و پنهان- واضح و آشکار ۵- جست‌وجوگر- هشتمین پادشاه کیانی- جای پا ۶- سیستم‌عاملی در کامپیوتر- مغفرت- از ارزهای دیجیتال ۷- شیرینی میوه‌ای- نوعی انرژی- منزل آذری ۸- عسل- نگاه‌کردن- صوت اندوه و افسوس ۹- گذرگاه- از اصول دین اسلام- مسافر سرزمین عجایب ۱۰- خودکشی- پایان‌نامه- بخش انتهایی چیزی ۱۱- یکدندگی- برابر- از انواع تراش‌های الماس در جواهرسازی ۱۲- کهن‌ترین قسمت اوستا- مجرای مصنوعی عبور آب ۱۳- یاقوت سرخ- جامه، لباس- افسانه‌گو ۱۴- اتومبیل آلمانی- دومین مجموعه داستانی نوشته سیمین دانشور ۱۵- سوبسید- عزیز و محترم- دریاچه دیدنی خرم‌آباد

عمودی:

۱- استوار- از جهت‌های فرعی جغرافیایی ۲- پدر آذری- شخص دقیق و باریک‌بین- کوهی در مکه ۳- از مرکبات- ویرایش- در قدیم شغلش شستن لباس بود ۴- شیوه حل مشکل- از صفات خداوند به معنی بخشاینده ۵- میوه خوب- معادل فارسی کروموزوم- خودرویی که صندوق‌عقب آن جزء اتاق آن است ۶- ویراستار- منحرف- تکرار حرفی ۷- حفاظ راه‌پله- کشاورز- وسیله کمک‌حرکتی بیماران ۸- خروس عربی- شهرستانی در استان سیستان‌وبلوچستان- نوعی ماهی در آب‌های شمال ایران ۹- اشاره- شش‌ضلعی- بزرگ نیست ۱۰- ویتامینی که در بدن ذخیره نمی‌شود- توبه- غیرحرفه‌ای ۱۱- هر یک از نمک‌های اسید نیتریک- در حال نالیدن- خسیس پس نمی‌دهد ۱۲- قیادت- چهارمین پادشاه کیانی و جانشین کیخسرو ۱۳- زبان عربی- اشعه فرابنفش- قسمت جلوی موشک ۱۴- غزال- صداقت عامیانه- راه و روش ۱۵- انجام‌دادن کارهای کسی همراه با چاپلوسی و تملق- بسیار مرموز و حیله‌گر

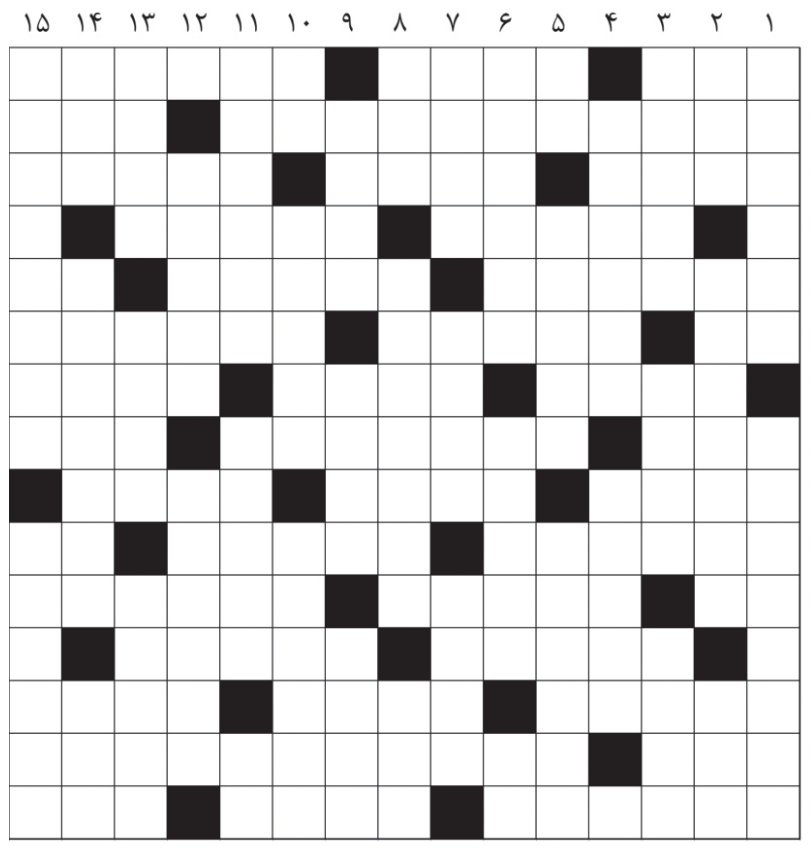

حل سودوکو سخت

۷	۲	۸	۱	۹	۵	۶	۴	۳
۹	۵	۳	۴	۶	۲	۸	۷	۱
۴	۶	۱	۷	۸	۳	۹	۵	۲
۳	۷	۵	۲	۱	۸	۴	۹	۶
۱	۸	۹	۶	۵	۴	۳	۲	۷
۶	۴	۲	۳	۷	۹	۵	۱	۸
۲	۹	۶	۵	۳	۷	۱	۸	۴
۸	۱	۷	۹	۴	۶	۲	۳	۵
۵	۳	۴	۸	۲	۱	۷	۶	۹

حل سودوکو ۳۵۲۶

۳	۹	۴	۲	۸	۶	۵	۷	۱
۶	۷	۸	۴	۱	۵	۳	۹	۲
۲	۱	۵	۹	۷	۳	۸	۴	۶
۵	۸	۶	۷	۳	۲	۴	۱	۹
۹	۳	۲	۱	۴	۸	۷	۶	۵
۱	۴	۷	۵	۶	۹	۲	۳	۸
۸	۲	۱	۳	۹	۴	۶	۵	۷
۷	۶	۳	۸	۵	۱	۹	۲	۴
۴	۵	۹	۶	۲	۷	۱	۸	۳

حل جدول ۴۵۳۰

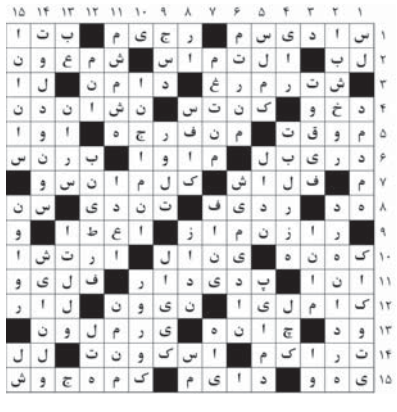

سودوکو سخت ۳۵۲۷

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۴		۲			۸		
۲			۴		۵			
		۱		۷			۹	
					۲			۹
		۷	۹		۸	۵		
۴			۷					۸
	۵			۹		۱		
			۶		۱			۷
		۲			۴		۳	

سودوکو ساده ۳۵۲۷

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۳				۸		۱		۵
		۸	۲			۳	۷	۹
		۴			۱		۸	
	۸	۱						
۶	۳	۲	۵		۸	۹	۱	۴
						۶	۲	
	۱		۸			۵		
۸	۹	۷			۵	۴		
۴		۳		۹				۱